

انارشیشم و سوسیالیسم

و.ا. لنین

تیزها:

- ۱- انارشیشم در مسیر ۳۵ تا ۴۰ سال (باکونین و بین الملل، ۱۸۶۶ به بعد) از وجود خود (با در نظر گرفتن اشتنر، باید گفت در مسیر سال های بسیار بیشتری)، هیچ چیز به جز شعار های مبتذل کلی علیه استثمار نگفته است. این عبارات برای بیش از ۲ هزار سال رایج بوده است؛ آن چه مفقود بوده، عبارتست از (الف) درک علل استثمار؛ (ب) درک تکامل جامعه که به سوسیالیسم می انجامد؛ (ج) درک مبارزه طبقاتی به مثابه نیروئی خلاق به منظور تحقق سوسیالیسم.
- ۲- درک علل استثمار. مالکیت خصوصی به عنوان پایه اقتصاد کالائی. مالکیت اجتماعی بر ابزار تولید. در انارشیشم، هیچ کدام. انارشیشم، فردگرایی بورژوائی است به صورت وارونه. فردگرایی به عنوان پایه کل جهانبینی انارشیستی. {دفاع از خُرده مالکیت و خُرده اقتصاد بر زمین. اقلیت (۱)، نفی قدرت وحدت بخش و سازمانده اتوریته}.
- ۳- ناتوانی از درک تکامل جامعه- نقش تولید انبوه- تکامل سرمایه داری به سوسیالیسم. (انارشیشم، محصول ناامیدی است. روانشناسی یک روشنفکر مضطرب یا فرد آواره؛ و نه یک پرولتر).
- ۴- ناتوانی از درک مبارزه طبقاتی پرولتاریا. نفی مضحک سیاست در جامعه بورژوائی. ناتوانی از درک نقش سازمان و آموزش کارگران. نوشداروئی از وسائل یک جانبه و نامرتبط.
- ۵- انارشیشم، در دوره تفوق و سلطه خود در کشور های رومیائی، چه سهمی را در تاریخ معاصر اروپا اداء کرده است؟ - هیچ گونه دکتربین، تعلیم انقلابی یا تئوری. - پاره پاره کردن جنبش طبقه کارگر - شکست مقتضحانه کامل در آزمون های جنبش انقلابی (پرودونیسیم، ۱۸۷۱؛ باکونینیسیم، ۱۸۷۳). - تبعیت طبقه کارگر از سیاست بورژوائی، در پشت ماسک نفی سیاست.

نگارش: ۱۹۰۱

انتشار: این مطلب نخستین بار در سال ۱۹۳۶ در مجله انقلاب پرولتری، شماره ۷ منتشر گردید.
منبع: مجموعه آثار لنین، انتشارات Foreign languages، ۱۹۶۱، مسکو، جلد ۵، صفحات ۳۳۰-۳۲۷
ترجمه از متن انگلیسی: بیژن شایسته.

پانوش:

(۱) اقلیت، Keine Majorität، یعنی عدم پذیرش اطاعت اقلیت از اکثریت در نزد انارشیشم ها- ویراست لنین.